احساس ناامنی چه تأثیری برنگرش و مشارکت اجتماعی شهروندان و نسل بعدی آنها دارد

من از این خیابان می‌ترسم

ترانه بنی یعقوب
گزارش نویس

صدای موتور که می‌شنود پنج متر از جا می‌پرد. کافی است خیابان کمی تاریک باشد و صدای موتورسواری را از دور بشنود؛ گوش‌هایش را می‌گیرد و پا می‌گذارد به فرار. فقط مسأله موتورسوارها نیست؛ اگر در جای خلوتی باشد و چند نفر پشت سرش هم باشند همین احساس را دارد، دائم برمی‌گردد و پشت سرش را می‌پاید. گاهی رفتارهایش موجب تعجب دیگران می‌شود اما او خاطرات خوبی از زندگی در فضای این شهر ندارد. خودش می‌گوید دیگر از خیابان می‌ترسم.

اینها بخشی از ترس‌های سحر است که در یک سال گذشته دوبار از او سرقت شده. اولین دفعه در خیابان بهشتی قدم می‌زد که یک موتورسوار به او نزدیک شد و موبایلش را از دستش قاپید: «راستش موبایلم زنگ خورد. تا از کیفم درآوردم، روی هوا غیب شد. نگاهم تا چند ثانیه روی دست خالی‌ام بود. بعد دیدم موتور بسرعت وارد اتوبان شد. فقط نگاه کردم و اشک ریختم. یک سال است دیگر از آن خیابان که محل تردد همیشگی‌ام بود، عبور نمی‌کنم. راهم را دور می‌کنم اما حاضر نیستم از آنجا رد شوم.»

شش ماه بعد نزدیک خانه‌اش در شرق تهران برایش اتفاق مشابهی افتاد. کنار دیوار راه می‌رفت که موتور سواری پرتش کرد روی زمین و کیفش را زد: «زخمی شدم. باور کن از آن روز به بعد کمتر از خانه بیرون می‌آیم حالا هم که بهانه کرونا دارم اما راستش را بخواهی مسأله‌ام کرونا نیست، من از خیابان‌ها می‌ترسم. فکر نمی‌کردم این اتفاق در یک سال دوبار برایم بیفتد و این طور اثر عمیقی رویم بگذارد. این روزها پیش مشاور می‌روم و امیدوارم دوباره روزی برسد که از خیابان‌های شهرنترسم.»

ممکن است خیلی از ما تجربه مشابهی داشته باشیم. اگر هم خودمان خوش شانس بوده‌ایم و این مسأله را تجربه نکرده‌ایم حتماً دوروبرمان کسی را می‌شناسیم که چنین تجربه دردناکی را از سر گذرانده است.

محسن مرتضوی قربانی اسیدپاشی است. به قول خودش بدترین تجربه ناامنی و خشونتی را که یک آدم می‌تواند در زندگی تجربه کند از سر گذرانده اما انگار احساس ناامنی در این شهر برایش پایانی ندارد. همین چند ماه پیش در خیابان قائم مقام توی ماشین منتظر بازگشت خانمش از محل کار بود که موتور سواری یک چاقو گذاشت بیخ گوشش و خواست موبایلش را تقدیم کند: «نوزده روز بود گوشی‌ام را خریده بودم اما موبایل نو که چه عرض کنم سوئیچ ماشین را هم می‌خواست تقدیم می‌کردم. حال دوباره بیمارستان رفتن را نداشتم.»

محسن به خاطر حادثه اسیدپاشی که چند سال قبل برایش اتفاق افتاده بارها و بارها در بیمارستان بستری شده است: «باورت نمی‌شود بعد از اینکه پریدند ترک موتور و رفتند خلاف جهت ماشین‌ها دنبالشان می‌کردم مثل فیلم‌ها چند بار نزدیک بود تصادف کنم. آخر یک سیلی به خودم زدم و گفتم حالا که موبایلت را بردند، چرا می‌خواهی خودت و دیگران را بکشی؟»

اما این حادثه برای محسن تبعات دیگری هم داشت و آن بازگشت دوباره کابوس اسیدپاشی شدنش به خواب‌های شبانه بود حتی وقتی درباره این ماجرا حرف می‌زند زبانش به لکنت می‌افتد: «دوباره هر شب خواب اسیدپاشم را می‌بینم؛ کسی که فکر می‌کردم بعد از سال‌ها فراموشش کرده‌ام. درباره آن خیابان هم که واقعاً حس بدی دارم اما چون محل کار خانمم آنجاست متأسفانه مجبورم هر بار به آنجا برگردم. هر بار که می‌آیم جای ماشینم را نگاه می‌کنم و قضیه را به یاد می‌آورم، عصبی می‌شوم و لکنت زبان می‌گیرم.»

محمد صادقی همین چند روز پیش تجربه موبایل قاپی از پسرش را از سر گذرانده: «تا پسرم از مغازه لوازم التحریری بیرون آمد یک موتور از این سرعتی‌ها نزدیکش شد. پسرم داشت با تلفن حرف می‌زد که دستش را گرفتند. موتور می‌رفت و پسرم روی زمین کشیده می‌شد. من صحنه را می‌دیدم. دیدم که پسرم چقدر ترسناک با یک طرف صورتش زمین خورد. آن لحظه نمی‌دانستم چطور رانندگی می‌کنم؛ لای مردم و ماشین‌ها دنبال موتور می‌رفتم. آخرش هم نتوانستم ماشین را کنترل کنم و خوردم به بلوک‌های بتنی بزرگ وسط بلوار. چند دنده سینه و دستم شکست. از آن طرف هم مردم پسرم را برده بودند بیمارستان. آرنجش شکسته بود و گوشش آسیب دیده بود. دائم می‌گویم یک گوشی سه چهار میلیونی ارزش این همه عذاب برای دیگران را دارد؟ اینکه من و پسرم به این روز بیفتیم؟ یعنی این آدم ها یک لحظه فکر نمی‌کنند سر پسرم می‌خورد به جدول و بلایی سرش می‌آمد، چه می‌شد؟ واقعاً برایشان مهم نیست؟»

هنوز دست و پایش از به یاد آوردن این صحنه‌ها می‌لرزد: «واقعاً مثل یک کابوس بود. آنقدر همه این اتفاقات ترسناک و غیرواقعی بود که هنوز هم فکر می‌کنم خواب دیده‌ام. من فقط این را فهمیدم که دیگر در این جامعه هیچ احساس امنیتی موقع تردد در پیاده روها ندارم. ما آسیب دیدیم. ماشینی که با آن امرار معاش می‌کنم مچاله شد و نمی‌توانم درستش کنم. اینها هیچ وقت از یاد من نمی‌رود.»

سجاد هم که چند وقت پیش در یکی از کوچه‌های خیابان خرمشهر تهران خفت شده چنین احساسی دارد: «موبایل و نوت بوکم را گرفتند؛ یک چاقو روی شاهرگم گذاشتند و من هم چاره‌ای نداشتم جز اینکه هرچه می‌خواهند تقدیم کنم. تا چند وقت از آن کوچه رد نمی‌شدم تا چند ماه بعد از حادثه هم مدام فکر می‌کردم کسی از پشت سر تعقیبم می‌کند و مدام برمی‌گشتم و نگاه می‌کردم. با اینکه مدت زیادی از این حادثه گذشته ولی هنوز هم در خیابان با تلفن همراه صحبت نمی‌کنم.»

یعقوب موسوی، جامعه شناس شهری درباره احساس ناامنی که این اتفاقات می‌تواند ایجاد کند، می‌گوید: «موبایل یا هر وسیله دیگری که به سرقت می‌رود پیرامون خود یک فضای ناامن ایجاد می‌کند. بخشی از آنچه تحت عنوان فضای ناامن شهری تعریف می‌کنیم معلول همین خلاف‌ها و بزه‌هایی است که در محیط شهری رخ می‌دهد. این نوع اتفاقات در شهری مثل تهران مدام تکرار می‌شود و این محدود به یک منطقه نیست. این موضوع باعث تولید حس منفی نسبت به فضای شهری می‌شود، یعنی جرم تنها متوجه خساراتی نیست که به فرد قربانی وارد شده، بلکه حس ناامنی است که همه را درگیر می‌کند.»

به گفته موسوی در گذشته در جاهایی از شهر که افراد شرور در آنها دست به خشونت‌های گروهی می‌زدند تا سال‌ها کابوس ساکنان آن محلات می‌شد و به‌عنوان خاطراتی تلخ آنها را بازگو می‌کردند. کابوس جرم؛ چه بزرگ و چه کوچک، در ذهن افراد تا مدت‌ها باقی می‌ماند و برای قربانیان نوع خاصی از عارضه‌های عاطفی تولید می‌کند و موجب رنجش پنهان روان افراد می‌شود و خاطرات تلخ فضاها گاه تا پایان عمر با قربانی باقی می‌ماند.

مازیار طلایی، دیگر جامعه شناس هم از دو منظر به موضوع احساس ناامنی نگاه می‌کند؛ اول تأثیری که احساس ناامنی روی فرد می‌گذارد و دوم تأثیراتی که ناامنی بر نسل بعدی دارد: «ناامنی در فرد احساس ترس به وجود می‌آورد و ترس هم از حس بقا می‌آید و اینکه این ترس منجر به محافظه کاری می‌شود و فرد تا جایی که می‌تواند کمتر در فضای شهری حضور پیدا می‌کند. این ترس تعاملات اجتماعی را کمتر می کند و از فضای بیرون یک محیط ناامن می‌سازد که زمینه ساز اضطراب است و پیامدش هم ترس از تهاجم دائمی است که در نهایت منجر به کاهش مشارکت اجتماعی و محدودیت‌های شغلی می‌شود. مجموعه اینها باعث کاهش رضایت از زندگی می‌شود چون امنیت با رضایت از زندگی ارتباط مستقیم دارد. وقتی امنیت نباشد رضایت از زندگی پایین می‌آید وسلامت اجتماعی افراد به خطر می‌افتد. همین طور این احساس عدم اعتماد به نهادهای اجتماعی را به همراه دارد.»

به عقیده این جامعه شناس، فردی که در نیازهای پایه‌ای خود دچار مشکل است در تأمین نیازهای مراتب بالاتر هم مشکل پیدا می‌کند؛ کسی که امنیت اشتغال و بقا ندارد بدیهی است به نیازهای بالاتر که به سازندگی جامعه می‌رسد هم توجهی نمی‌کند و جامعه‌ای که افرادی با احساس امنیت کمتری دارد جامعه‌ای پویا و سالم نخواهد بود. اما بعد دیگر اینکه افرادی که دچار احساس عدم امنیت می‌شوند این مسأله را به دیگران بخصوص فرزندان‌شان انتقال می‌دهند. کسی که محیط بیرون را ناامن می‌داند دیگران را هم کنترل می‌کند و سعی می‌کند نزدیکانش را از جامعه دور نگه دارد. این نگرش به پرورش فرد در یک محیط کلینیکی منجر و باعث می‌شود محرومیت و نارضایتی شدیدی برای نسل بعد به وجود بیاید و فضای ذهنی و جامعه‌پذیری او را تحت تأثیر قرار می دهد. مشکل تنها تأمین امنیت افراد در لحظه نیست، مسأله این است که اگر اکنون امنیت افراد تأمین شود نسل‌های بعد هم احساس امنیت خواهند کرد.

امیر رجبی/ ایران

> دیدم که پسرم چقدر ترسناک با یک طرف صورتش زمین خورد. آن لحظه نمی‌دانستم چطور رانندگی می‌کنم لای مردم و ماشین‌ها دنبال موتور می‌رفتم. آخرش هم نتوانستم ماشین را کنترل کنم و خوردم به بلوک‌های بتنی بزرگ وسط بلوار. چند دنده سینه و دستم شکست. از آن طرف هم مردم پسرم را برده بودند بیمارستان. آرنجش شکسته بود و گوشش آسیب دیده بود. دائم می‌گویم یک گوشی سه چهار میلیونی ارزش این همه عذاب برای دیگران را دارد؟

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۵۳۷

آسان

		۵	۴	۸	۲	۷		
		۴		۳				۵
			۵			۸	۴	
		۹		۴	۶			۸
۴		۲				۵		۳
۷			۳	۲		۱		
	۲	۱			۳			
۳				۷		۹		
		۷	۸	۱	۹	۳		

متوسط

					۳		۴	
					۹	۸		۲
۸		۲	۶	۴				۳
۳				۱			۲	
	۴			۹			۷	
	۷			۶				۹
۱				۳	۶	۵		۴
۶		۵	۹					
	۸		۲					

سخت

	۴			۸				۷
			۷					۳
۱	۲		۵			۶		۸
		۱					۷	
		۴	۳		۵	۸		
	۶					۲		
۹		۵			۱		۶	۲
۴					۶			
۷				۳			۵	

خیلی سخت

۲	۵					۶	۷	
۳			۴					
۱	۸				۲	۵		
۵					۶			
			۸		۹			
			۷					۸
		۵	۶				۴	۷
					۱			۵
	۱	۳					۲	۹

حل جدول سودوکو شماره ۳۵۳۷

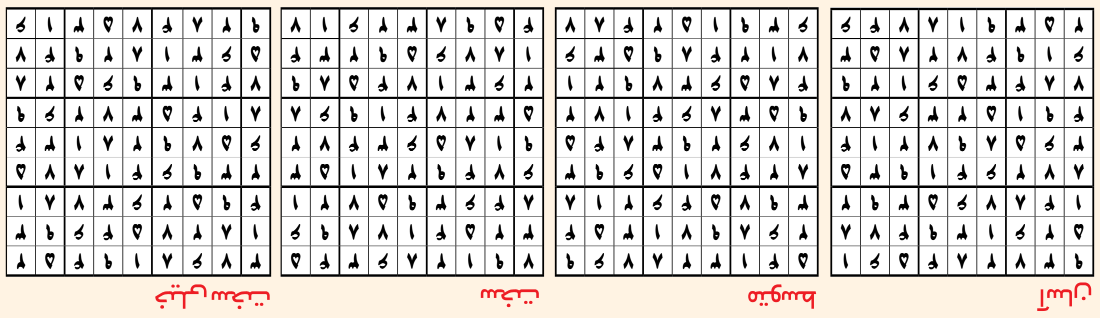

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۰۳

جدول عادی

افقی:

۱-مولد برق-گردشگاه
۲-پدرعرب-سودمند-امتحان
۳-مرسوم‌نیست-قلوب-سیاهرگ
۴-روپوش کفش-واحدمساحت-نشانی پستی-حرف اضافه
۵-جانشین او-کلیات شعر-کشوری در قاره«آفریقا»
۶-کتاب یهودیان-دایر-تیزی آفتاب
۷-شهر«قالی»درداستان کرمان-ظرفی دردار برای طبخ غذا-جهت
۸-صحرای بی آب وعلف-تاجیک-مددکار
۹-بشر-تشکیل وتأسیس-خوردنی درتداول اطفال
۱۰-باغ وحش بیگانه-از نان‌های سنتی ما-از رنج رها شدن
۱۱-معامله-همدم،مصاحب-رودبزرگ
۱۲-سنبل کوهی-استارت قدیم-یازده!-ازبندرسته
۱۳-کلمه‌تعلیل-علم‌نجوم-ناحیه‌تحت‌فرمان
۱۴-پرسپولیس با شکست دادن این تیم عربستانی، حالا۲۹ آذر در فینال لیگ قهرمانان آسیا حضور خواهد داشت-قشر-شرف وناموس
۱۵-واقع‌گرایی-نوشته‌بدون‌خط‌خوردگی

عمودی:

۱-نوعی عملیات تردستی-ناتوان
۲-گیاهی-زبان مردم«پاکستان»-رنگ خاکستری باته رنگ آبی
۳-سرمربی سابق«هرتا»-خیال-سردار اشکانی
۴-کلام پرسش-ریاکار-طرف-نژاد
۵-لم‌یزرع-قلب پرشوروهیجان!-چهارمن تبریز
۶-تاکسی درکشویی-ایوان بالا-یکتا
۷-باهمت-بانی«ترکیه نوین»-قسمت کوهستانی «گیلان»
۸-مرادف«بهمان»-ثروتمند-نامی برای خانم‌ها
۹-خودراملزم به انجام کاری دانستن-ضمانت-واحد نظامی
۱۰-اثرباستانی«کرمان»-بخشی ازاوستا-بخاردهان
۱۱-حرف مفعولی-بالاتر از آن رنگی نیست-همراهی واتحاد
۱۲-پاره وبخش-عود-پاکتر-گودال
۱۳-منحرف-رؤسا-شاعرمدرن فرانسوی
۱۴-گیاهی زینتی باگل‌های قرمز-قایق-شهری در استان «تهران»
۱۵-کشور«بالیوود»-اثر تاریخی شهرستان«ماکو» در دره قره کلیسای بخش چالدران

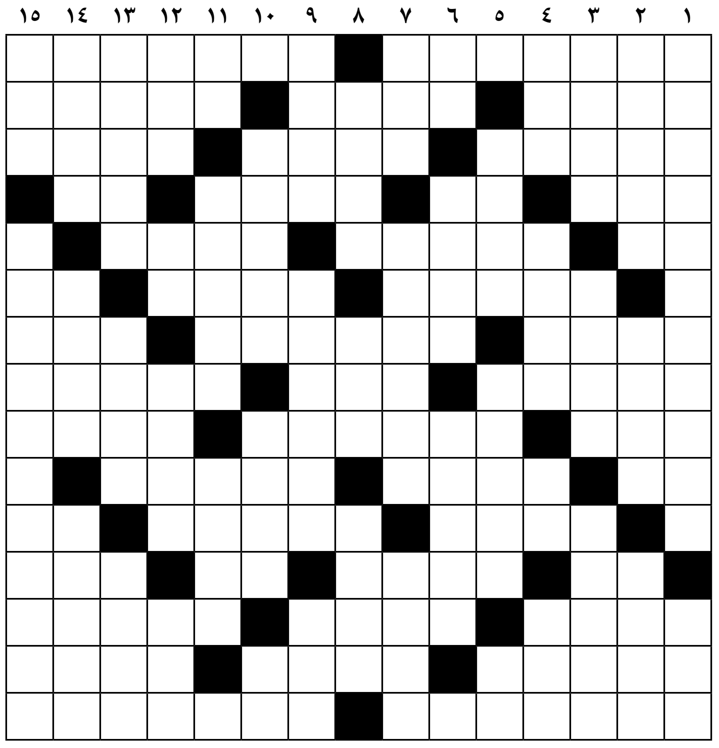

جدول ویژه

افقی:

۱-فیلمی به‌کارگردانی «رجب محمدین»-اثرباستانی«خرم‌آباد»
۲-برج-تفسیرکننده-هماهنگی
۳-پرشده-موزه معروف-برومند
۴-تاب-خودم-نوعی شتر-رنگ مو
۵-هالوژن نمک طعام-منحرف-آگاه کردن بهنگام خطر
۶-سرویس خودرو-روستایی دیدنی در«پاوه»-زینت رو
۷-دلسوزی-پایتخت«ایرلند جنوبی»-خشت پخته
۸-محکم-پسوندمکان-پسر«رستم»
۹-مخترع انگلیسی-ازسیارات منظومه شمسی-حزب هیتلر
۱۰-سرای مهروکین-گازی قابل اشتعال-زمین ساقه
۱۱-غرور-پی درپی-پوز
۱۲-سرگشته-نام «شاهرخ شاهی» بازیگر-حرف پیروزی-امرازشستن
۱۳-تیغ موکت بری-باطل کننده-مشاور
۱۴-اطاعت کردن-بخش پرچم گل-جایگاه مرشد در زورخانه
۱۵-مهمترین صنایع دستی شهرستان «پارس آباد»-سریالی باهنرنمایی«کیانوش گرامی»

عمودی:

۱-نخست‌وزیر«کانادا»-شانه
۲-دعاها-اسلوب-افسانه‌سرا
۳-راه فرار-درود-کشتی حمل بنزین
۴-سلام عامیانه-درمحل اقامت کنونی خودزاده شده وپرورش یافته-برادرعرب-ظاهرنمایی
۵-سیاره خاکی-الهه دریا-بی رمق ندارد!
۶-چارق-سرده‌ای ازدرختان-زبان اروپایی
۷-وسیله بستن در-تیم«قبرسی»-مادر
۸-سالن کارخانه-قاطع-بنفش ملایم
۹-بیم-نوعی ماهی دوزیست-برکنارکردن کسی از شغل
۱۰-طالع بینی-توان-نیز
۱۱-گربه انگلیسی-کارگزاری-استانی در«آنگولا»
۱۲-دستگاهی درموسیقی-دلیر-تاکنون-ازبروج فلکی
۱۳-شهری در«خراسان رضوی»-یواش-دفاع راست «پرسپولیس»
۱۴-آگهی دیواری-جایزوروا-عددی دورقمی
۱۵-پول حاضروآماده-اختراعی از«ادیسون»

حل جدول عادی شماره ۷۵۰۲

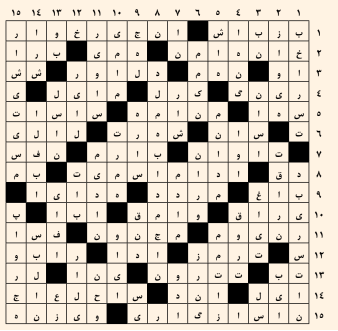

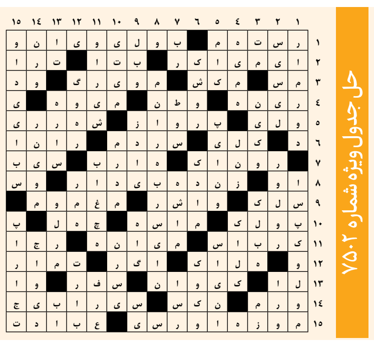حل جدول ویژه شماره ۷۵۰۲